



بسمه تعالی

امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۱۴۰۲-۱۴۰۳

رشته فقه و اصول

مهر مدرسه

ساعت برگزاری: ۹۰ دقیقه | شماره: ۱۳ | سمت پانجمی: ۹۰ دقیقه

شماره یا نام صحیح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام صحیح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد امتحان:	۳۴۰۳۲/۰۶
تاریخ آزمون:	۱۴۰۳/۰۳/۲۱
عنوان:	اصول فقه ۴ (حلقهات)
کتاب:	دروس فی علم الاصول الحلقة الثالثة، مرحوم شهید محمد باقر صدر جلد ۲
محدوده:	از ابتدای درس ۱۵ تا پایان درس ۴۶ (از ابتدای الوظیفه فی حاله العلم الاجمالی تا ابتدای ارکان الاستصحاب)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلسمی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- نظر صاحب کفایه در تفسیر ماهیت علم اجمالی کدام گزینه است؟ ص ۸۸ - دروس فی علم الاصول الحلقة الثالثة شهید

۰/۵

صدر- جلد دوم- انتشارات دارالعلم چاپ دوم

- (أ) تعلق علم به حد شخصی مردد بین اطراف
- (ب) تعلق علم تفصیلی به جامع به همراه شکوک تفصیلی بعدد اطراف
- (ج) تعلق علم به واقع و فرد به همراه حکایت اجمالی
- (د) تعلق علم به واقع و فرد به همراه حکایت تفصیلی

۲- در کدام گزینه علم اجمالی منجز و جوب اجتناب از ظرف دیگر نیست. ص ۱۲۶

۰/۵

- (أ) تحقق اضطرار به ظرف معین بعد از تحقق علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف.
- (ب) تحقق اضطرار به ظرف معین هم زمان با تحقق علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف.
- (ج) تحقق اضطرار به ظرف غیر معین هم زمان با تحقق علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف.
- (د) تحقق اضطرار به ظرف غیر معین قبل از تحقق علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف.

۳- مدعی را در ضمن مثال توضیح دهید.

۲

ینبغی أن یعلم بالنسبة الى الاصول الشرعية المنجزة للتكليف لا محذور في جريانها في كل اطراف العلم الاجمالي بالتكليف اذا كان كل طرف موردا لها في نفسه، حتى و لو كان المكلف یعلم بعدم ثبوت أكثر من تكليف واحد. ص ۹۷

پاسخ: (عدم جریان اصول در اطراف علم اجمالی مخصوص اصول شرعیه مؤمن تکلیف مانند براهت است اما) اصول منجز تکلیف می توانند در همه اطراف علم اجمالی جاری شوند به شرط اینکه هر طرف از علم اجمالی بدون در نظر گرفتن این علم، مشمول دلیل اصل تجزیه باشد. مانند اینکه چند ظرف نجس داریم که می دانیم همه جز یکی پاک شده است در این صورت در همه ظرفها استصحاب نجاست جاری می شود.

۴- تعارض ثلاثی را در ضمن مثال توضیح دهید.

۲

و من الموارد التي قد يستثنى من عدم جریان الاصل المومن في بعض اطراف العلم الاجمالي أن يكون الاصل المؤمن في أحد الطرفين مبتلى في نفس مورده بأصل معارض منجّز دون الاصل في الطرف الآخر. و مثاله: أن یعلم اجمالاً بنجاسة أحد إناءین و کل منهما مجرى لاستصحاب الطهارة في نفسه، غير أنّ أحدهما مجرى لاستصحاب النجاسة أيضاً، لتوارد الحالتين عليه مع عدم العلم بالمتقدم و المتأخر منهما، فقد يقال: حينئذ بجريان استصحاب الطهارة في الطرف الآخر بلا معارض، لأنّ استصحاب الطهارة الآخر ساقط بالمعارضة في نفس مورده باستصحاب النجاسة. و قد يقال في مقابل ذلك: بأنّ التعارض يكون ثلاثياً، فاستصحاب الطهارة المبتلى يعارض استصحابين في وقت واحد. ص ۱۱۰

پاسخ: در مواردی که یکی از طرفین علم اجمالی اصل معارض منجز دارد گفته شده که اصل مؤمن در این طرف با اصل منجز تکلیف تعارض و تساقط می کنند و اصل مؤمن در طرف دیگر بدون معارضه جاری است. در مقابل برخی تعارض سه طرفه را تصویر می کنند؛ یعنی تعارضی که هر سه اصل در آن دخیل اند. به این صورت که اصل مؤمن در طرفی که معارض دارد هم با اصل منجزش تعارض می کند و هم با اصل مؤمن در طرف دیگر. مثلاً اگر ظرف اول از دو ظرف، مجرای استصحاب نجاست است و هر دو ظرف، مجرای استصحاب طهارت (اصاله الطهاره) نیز هستند، استصحاب طهارت در ظرف اول هم با استصحاب طهارت در ظرف دوم تعارض می کند و هم با استصحاب نجاست در ظرف اول.

۵- مراد از «صلاحیت العلم الجمالی لتنجیز معلومه علی جمیع تقادیره» را به صورت دقیق توضیح دهید و در ضمن مثال یک مورد را که علم اجمالی این صلاحیت را ندارد بیان کنید.

ان القائلین بعلیة العلم الاجمالی لوجوب الموافقة القطعیة صاغوا الرکن الثالث بصیغة حاصلها: انّ تنجیز العلم الاجمالی یتوقف علی صلاحیته لتنجیز معلومه علی جمیع تقادیره، فاذا لم یکن صالحا لذلك، فلا یكون منجزا. ص ۱۱۹

پاسخ: علم اجمالی باید بتواند بنا بر اینکه معلوم بالاجمال در هر طرف باشد آن را تنجیز کند. یعنی اگر ظرف نجس واقعی ظرف اول باشد بتواند آن را منجز کند و اگر ظرف دوم باشد نیز بتواند آن را تنجیز کند. مثلاً اگر علم اجمالی داریم به نجاست یکی از دو ظرف با خون در حالی که بینه اقامه شده است که ظرف اول نیز نجس است (ظرف اول مجرای استصحاب نجاست است) در این صورت چون لزوم اجتناب از ظرف اول به منجزی مانند بینه (استصحاب) منجز شده است علم اجمالی در صورتی که معلوم بالاجمال در همین ظرف باشد نمی تواند آن تنجیز کند؛ زیرا تنجیز دوباره آنچه منجز شده است محال است.

۶- علت اعتراض محقق نائینی را توضیح دهید.

اعترض المحقق النائینی علی جریان البرائة الشرعیة عن الوجوب المشکوک و الحرمة المشکوکة فی موارد دوران الامر بین المحذورین بان ما کان منها بلسان اصالة الحل لا یشمل المقام، لانّ الحلیة غیر محتملة هنا بل الأمر مردّد بین الوجوب و الحرمة. و قد یلاحظ علی کلامه: انّ امکان جعل حکم ظاهری بالحلیة لا یتوقف علی أنّ تكون الحلیة الواقعیة محتملة... ص ۱۶۸

پاسخ: در موارد دوران امر بین محذورین ادله ترخیصی به لسان اصاله الحل جاری نمی شود؛ چون برائت حکم ظاهری است و حکم ظاهری متقوم به شک در حکم واقعی است در حالی که در مقام احتمال حلیت واقعی را نمی دهیم؛ زیرا امر دائر بین وجوب و حرمت است؛ لذا ادله اصاله الحل شامل دوران امر بین محذورین نمی شود.

۷- محل نزاع را معین کنید و استدلال را تقریر فرمائید.

ثالثا: نأخذ المبنى القائل بأنّ مرجع الوجوب التخييري الى وجود غرضين لزوميين للمولى غير انهما متزامان في مقام التحصيل، بمعنى أنّ استيفاء أحدهما يعجز المكلف عن استيفاء الآخر، و من هنا يحكم بوجوب كل من الفعلين مشروطاً بترك الآخر، و الحكم هنا اصالة الاشتغال، لأنّ مرجع الشك في وجوب العتق تعييناً أو تخييراً حينئذ الى الشك في أنّ الاطعام هل يعجز عن استيفاء الغرض اللزومي من العتق، فيكون من الشك في القدرة الذي تجري فيه اصالة الاشتغال. ص ۱۹۳

پاسخ: بحث در دوران واجب بین تعیین و تخیر شرعی است. مرحوم شهید فرمودند برای روشن شدن حکم مسئله باید مبانی مختلف در تحلیل واجب شرعی را مدنظر قرار دهیم.

سومین مبنایی که مطرح می فرمایند این است که در موارد تخیر شرعی، دو غرض لزومی غیر قابل جمع در مقام تحصیل وجود دارد به این صورت که تحصیل یک واجب مانند عتق، مکلف را از تحصیل دیگری مانند اطعام عاجز می کند؛ لذا شارع امر کرده است به هر عدل واجب تخیری به شرط ترک دیگری. با این تفسیر زمانی که مکلف شک کند آیا فقط مکلف به عتق است یا مخیر است بین عتق یا اطعام، اصاله الاشتغال جاری است چون بازگشت شکش به این است که آیا اطعام عدل تخیری واجب است و او را از استيفاء غرض لزومی عتق عاجز می کند یا اطعام عدل تخیری واجب نیست و حتی با وجود اطعام، عتق مصلحت ملزومه دارد و این شک، شک در قدرت است که مجرای اصاله الاشتغال است.

۸- اعتراض به روایت زراره را تقریر کنید.

قد اعترض علی الاستدلال بروایة الزارہ علی الاستصحاب بانّ حمل الروایة علی الاستصحاب متعذر، لأنّ الاستصحاب لا یكفی لتصحیح الصلاة حتی لو بنی علی اضافة الرکعة الموصولة، لأنّ الواجب إيقاع التشهد و التسليم فی آخر الرکعة الرابعة، و باستصحاب عدم الاتیان بالرابعة یثبت وجوب الاتیان برکعة، و لكن لو أتى بها فلا طریق لإثبات كونها رابعة بذلك الاستصحاب، لأنّ كونها كذلك لازم عقلي للمستصحب فلا یثبت، فلا یتاح للمصلی إذا تشهّد و سلّم حينئذ أنّه قد أوقع ذلك فی آخر الرکعة الرابعة. ص ۲۲۷

پاسخ: روایت را نمی توان بر استصحاب حمل کرد؛ زیرا درست است که نتیجه استصحاب عدم اتیان رکعت چهارم، اضافه کردن یک رکعت متصل به نماز (بدون فصل تشهد و سلام) است لکن اشکال این است به لحاظ فقهی مسلم است که باید تشهد و سلام را در آخر رکعت چهارم بیاوریم؛ ولی با استصحاب عدم اتیان رکعت رابعه نمی توانیم احراز کنیم رکعتی که در آن هستیم رکعت چهارم است؛ زیرا لازمه عقلی اینکه باید یک رکعت به انتهای نماز اضافه کنیم این است که پس این رکعت، رکعت چهارم نماز است و استصحاب اصل عملی است و مثبتات آن حجت نیست؛ لذا مکلفی که در آخر این رکعتی که اضافه کرده تشهد و سلام می خواند نمی تواند احراز کند تشهد و سلامش را در انتهای رکعت چهارم بجا آورده است.